

توسعه چارچوب مفهومی ارزش در بازطراحی معماری داخلی استفاده مجدد منطبق بناهای واجد ارزش؛ نمونه موردی: زندان قصر به عنوان باغ موزه

سید احسان مسعود^۱، پرستو عشرتی^۲، محسن فیضی^۳، علیرضا عینی فر^۴
پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، ایران.
استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، ایران.
استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۸/۱۹)

چکیده

چالش حفاظت و توسعه یک چالش کلیدی در میراث فرهنگی است که در هر اقدام حفاظتی و در هر مقیاسی از جمله معماری داخلی وجود دارد. در این باره چالش اصلی این است که معمار داخلی در فرآیند استفاده مجدد بناهای واجد ارزش تا چه میزان حق دخل و تصرف در اجزای تشکیل دهنده معماری داخلی را دارد. در این مقاله برای ارائه پاسخی کاربردی به این چالش، به واکاوی مفهوم ارزش پرداخته شد؛ چون ارزش‌ها هستند که مشخص می‌کنند چه نوع و میزان تغییراتی می‌تواند و چه تغییراتی نباید در فرآیند تغییر کاربری در بنا صورت پذیرد. در این پژوهش در گام نخست، با راهبرد استدلال منطقی و تکنیک تحلیل محتوا اسناد و نظریه‌های اصلی درباره ارزش مورد واکاوی قرار گرفت؛ در گام دوم چارچوبی نظری برای بازشناخت ارزش‌های یک بنا در مقیاس معماری داخلی که قابلیت کاربرد در ارزیابی بازطراحی‌های صورت گرفته را نیز داراست، پیشنهاد گردید. براین اساس، ارزش‌های یک اثر در هشت گونه قدمت، نمادین، روایت، معنوی-مذهبی، زیبایی، ویژگی‌های فضایی، فعالیت-کارکرد، سند-مدرک و فضای معماری داخلی در سه دسته فضای ثابت، نیمه‌ثابت و متغیر تبیین گردید. در ادامه، چارچوب پیشنهادی در نمونه موردی باغ موزه زندان قصر به روش کیفی مورد سنجش قرار گرفت. ارزیابی نمونه موردی این مقاله نشان داد که به کمک این چارچوب نظری این امکان در اختیار قرار می‌گیرد که همه ارزش‌های اثر مورد مذاقه قرار گیرد و آشکار گردد که هر کدام به چه میزان مورد توجه قرار گرفته و ارتقا یافته است.

واژه‌های کلیدی

ارزش، معماری داخلی، استفاده مجدد منطبق، بازطراحی، باغ موزه زندان قصر.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۱۲۳۱۱۴۸، نمابر: ۰۲۱-۷۷۲۴۰۴۶۸، E-mail: mfaizi@iust.ac.ir

مقدمه

۳. بازخوانی مفهوم ارزش در اسناد بین‌المللی و دیدگاه‌های نظریه پردازان

مفهوم ارزش به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین حفاظت که اهمیت معنایی مکان از آن نشأت می‌گیرد، نقشی کلیدی در تبیین اقدامات حفاظتی ارزیابی آنها در هر مقیاسی از جمله بازطراحی معماری داخلی استفاده مجدد و تغییر کاربری بناهای تاریخی ایفا می‌کند. ارزش‌ها دارای وجوه ملموس و ناملموس است هستند و می‌توان آنها را حافظان هویت و خاطره جمعی دانست (Banda- trin & Van Oers, 2014, Preface). اگر چه مفهوم ارزش خود مفهومی تاریخی است اما نخستین بار به صورت نظری از سوی تاریخ‌دانی به نام آلویس ریگل در سال ۱۹۰۳ در کتاب مکتب مدرن بناهای یادبود به عنوان مفهومی بنیادین در حفاظت طرح گردید. او دو دسته از ارزش‌های میراثی را تعریف می‌کند؛ دسته اول در رابطه با ارزش خاطرات است که به قدمت میراث به عنوان یک مؤلفه مهم اشاره دارد. دسته دوم ارزش، ارزش معاصر و ارزش کاربردی آثار یادبودی است، این خصوصیت سبب متفاوت شناخته شدن آنها نسبت به یک اثر باستانی است. ارزش کاربردی دارای ارزش هنری و نبودن می‌باشد (Riegl, 1903) به نقل از (Bandarin & Van Oers, 2012, 11).

تفسیر حفاظت یادمان‌ها از منظر نظریه ارزش‌ها، نوآوری بنیادینی است که ریگل ارائه می‌نماید. از آن زمان تاکنون موضوع صیانت از ارزش‌ها، یکی از دغدغه‌های مهم در بحث شکل‌گیری منشورها در حفاظت مدرن در دهه‌های اخیر بوده است (De la Torre, 2002; Avrami et al., 2000). از جمله این منشورها می‌توان به منشور آتن و بورا اشاره کرد (Athens Charter, 1933; Burra Charter, 1979). مطالعه ارزش‌ها در آثار تاریخی نشان می‌دهد که نباید تنها به ارزش‌های تاریخی و قدمت در حفاظت توجه کرد، بلکه ارزش‌های دیگری نیز می‌توانند در کنار ارزش‌های یاد شده، اهمیت داشته باشند؛ از این رو، اولویت‌بندی ارزش‌ها یکی از گام‌های اساسی فرآیند حفاظت برشمرده می‌شود (فرهمند و دیگران، ۱۳۹۰، ۵۸).

در میان تحقیقات متعددی که پیرامون مفهوم ارزش به انجام رسیده است، پژوهش مؤسسه گتی در آمریکا در سال ۲۰۰۲ تا مدتی برای گونه‌شناسی و بحث در مورد ارزش‌ها، مأخذ اغلب پژوهش‌ها قرار گرفت و همچنان نیز بیشترین ارجاع را دارد. میسون در مقاله‌ای در این پژوهش تلاش کرده تا گونه‌شناسی جدیدی از ارزش‌ها را ارائه دهد. البته خود او پیش از ورود به موضوع متذکر می‌شود که «این گونه‌شناسی به هیچ عنوان جامع و مانع نیست و صرفاً به عنوان زمینه‌ای برای بحث ارائه شده است» (Mason, 2002). او ارزش‌ها را در دو دسته کلی ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی که به طور سنتی در مرکز مباحث حفاظت قرار دارند، و «ارزش‌های اقتصادی» که در دو دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته، قرار می‌دهد. لازم به ذکر است که این دسته‌بندی به دو گونه

به اعتقاد دلاتوره و همکارانش «ارزش همواره دلیل اصلی حفاظت توسط جوامع بوده است» (de la Torre et al., 2002, 3)؛ به بیان دیگر حفاظت به عنوان فعالیتی برای حفظ و بیان ارزش‌ها در نظر گرفته می‌شود (Richmond & Bracker, 2009). «معنا و ارزشی که به میراث الحاق شده، دلیل محکمی برای حفاظت است» (Pye, 2001, 57) و جوامع سعی می‌کنند اشیایی را که برای افراد آن جامعه دارای ارزش هست حفظ کنند (Caple, 2009, 25; Appelbaum, 2007, 86). اهمیت موضوع ارزش در حفاظت تا بدان پایه است که رویکرد حفاظت ارزش مینا برای تأکید بیشتر بر این امر در فرآیند مدیریت میراث طرح گردیده است. این رویکرد در در شاخه‌های متنوع میراث فرهنگی از جمله باستان‌شناسی و اشیای تاریخی (Munoz Vinas, 2005; Appelbaum, 2007; Cane, 2009; Russell and Winkworth, 2010; Schädler-Saub & Weyer, 2010) سایت‌های باستانی (tonico & Palumbo, 2002; Australia ICOMOS, 2013; Clark, 2001; Feilden, 2003; Orbaşlı, 2008; Stubbs, 2009; English Heritage, 2008; Stephenson, 2008; Worthing & Bond, 2008) مورد استفاده قرار می‌گیرد و ریشه‌ی آن به منشور بورا بازمی‌گردد (Australia ICOMOS, 1979).

به طور کلی می‌توان ادعا داشت که امروز حفظ ارزش‌ها شرط اصلی موفقیت تمام فعالیت‌های حفاظتی است (Hazen, 2009, 169). اگرچه مطالعات گسترده‌ای در زمینه ارزش در سطح بین‌المللی (Mason, 2002; Jokilehto, 2006; Feilden, 2003; Frey, 1997; Kerr, 2000) به انجام رسیده است که در پیشبرد این مفهوم نقش مهمی ایفا کرده‌اند، با این حال اغلب آنها به مفاهیم تاریخی، تاریخ هنر و باستان‌شناسی تکیه دارند و کم‌تر آن را به عنوان مفهومی بین رشته‌ای تبیین می‌نمایند (Mason, 2002, 5). اگرچه در داخل ایران نیز تحقیقاتی صورت گرفته است (حجت، ۱۳۸۰؛ مردمی و محمدمردادی، ۱۳۸۷؛ شیروانی و همکاران، ۱۳۹۵، نژادابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲؛ ایوبی و نیک‌زاد، ۱۳۹۶، حناچی و همکاران، ۱۳۹۶) اما در موضوع ارزش در فرآیند تغییر کاربری بناهای تاریخی و سنجش میزان موفقیت اقدامات در حفظ و ارتقا ارزش‌ها، ضعف نظری همچنان مشهود است. تا آن جا که به دلیل ضعف در بازشناخت ارزش‌های بنا در فرآیند تغییر کاربری بناهای تاریخی، گاه ارزش قدمت وزن زیادی را به خود اختصاص می‌دهد و باعث می‌شود که برخی دیگر از ارزش‌ها در سایه آن فرو گذاشته می‌شود. بر این اساس، مقاله حاضر در پی توسعه چارچوبی نظری در راستای بازشناخت ارزش‌های یک بنا از نقطه نظر معماری داخلی می‌باشد به گونه‌ای که هم در فرآیند بازطراحی قابلیت کاربرد داشته باشد و هم در سنجش میزان موفقیت بازطراحی‌های صورت گرفته از زاویه حفظ و ارتقای ارزش‌ها کارکردی باشد.

توسعه چارچوب مفهومی ارزش در بازطراحی معماری داخلی
استفاده مجدد منطقی بناهای واجد ارزش؛ نمونه‌موردی: زندان
قصر به عنوان باغ موزه

ایشان مواردی را که به طور سنتی همیشه در دسته زیبایی‌شناسی طبقه‌بندی می‌شده در حالی که برانگیزاننده حس مخاطب نبوده و صرفاً ارزش تاریخی داشته را در این جنبه می‌گنجانند؛ و
عملکردی: به کاربرد اشاره دارد که باید توجه داشت، این جنبه صرفاً باعث نمی‌شود، عنصری به عنوان میراث شناخته شود. با این وجود، از تخریب و یا زباله‌انگاشتن میراثی که هنوز در حال استفاده است، جلوگیری می‌کند (Thompson, 1979).

با نظر به اهمیت مفهوم ارزش در فرآیند بازطراحی معماری داخلی استفاده مجدد و تغییر کاربری بناهای تاریخی و نیز سنجش میزان موفقیت طرح‌های به انجام رسیده، در جدول ۱ برخی از نظریه‌ها و اسناد اصلی که می‌تواند در راستای هدف مقاله که ارائه چارچوبی نظری ارزش‌های بنا در مقیاس معماری داخلی است، ارائه می‌گردد.

بررسی منابع مختلفی که به گونه‌شناسی ارزش‌ها پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که از یک سو، در برخی موارد برای گونه‌های مختلف ارزشی عناوینی بدون ذکر توضیحات تکمیلی، اتخاذ گردیده است. این امر باعث همپوشانی‌هایی بین دسته‌های مختلف شده است. از دیگر سو، علیرغم همه تلاش‌های انجام شده، هنوز دسته‌بندی کاملی که بتواند همه ارزش‌ها را دربرگیرد، ارائه نشده است؛ برخی نیز بر این اعتقادند که «گسترده‌گی و تنوع دسته‌بندی ارزش‌ها، بیانگر این است که اساساً هر تلاشی برای ارائه یک دسته‌بندی جامع و مانع، شکست می‌خورد» (Rudolf, 2006, 60). ضعف نظری دیگری که از این مدافعه، آشکار گردید، فقدان یک دسته‌بندی است که بتواند با در نظر گرفتن عناصر تشکیل‌دهنده فضای داخلی، برای همه متخصصین استفاده مجدد از بنا از جمله معماران داخلی قابل فهم و کاربرد باشد. از این رو، این مقاله در ادامه بی آن که مدعی ارائه دسته‌بندی جامع باشد، تلاش می‌کند که ارزش‌های مقیاس معماری داخلی را به گونه‌ای که برای بازشناخت بنا، بازطراحی و ارزیابی آن خوانا باشد، ارائه نماید.

مستقل و متفاوت از ارزش‌ها اشاره نمی‌کند؛ بلکه فرهنگ و اقتصاد به عنوان دو دریچه برای نگاه و درک موضوع و کارکردن روی طیف گسترده ارزش‌های میراث می‌باشد. او ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی را شامل ارزش تاریخی، ارزش فرهنگی یا نمادین، ارزش اجتماعی، ارزش معنوی و مذهبی و ارزش زیبایی می‌داند. همچنین ارزش‌های بازار و ارزش‌های غیرقابل خرید و فروش را به عنوان انواع ارزش‌های اقتصادی معرفی می‌کند.

پس از میسون، فیلدن هم دسته‌بندی جامعی از ارزش‌های موجود در بناهای تاریخی ارائه نموده است: «اول: ارزش‌های هیجانی: (الف) حیرت‌انگیز، (ب) هویتی، (ج) پیوستگی و (د) معنوی و نمادین؛ دوم: ارزش‌های فرهنگی و تربیتی: (الف) اسنادی، (ب) تاریخی، (پ) باستان‌شناسی، قدمت، کمیابی، (ج) زیبایی‌شناختی و نمادی، (د) معماری، (ه) قضایای شهری، بوم‌شناختی، منظر و (و) علمی و تکنولوژی؛ سوم: ارزش‌های کاربردی: (الف) کارکردی، (ب) اقتصادی، (ج) اجتماعی، (د) آموزشی و (ه) قومی و سیاسی» (Feilden, 2003, 6). از دیگر تلاش‌های متأخر برای گونه‌شناسی ارزش‌ها می‌توان به پژوهش هارالد فردهیم و مانال خلاف اشاره کرد، که البته خود مؤلفان آن را به عنوان جنبه‌های چهارگانه چرایی اهمیت ارزش معرفی می‌کنند: (Fredheim & Khalaf, 2016)

وابستگی: این جنبه به نوعی اتصال یا ارتباط اشاره می‌کند. این ارتباطات می‌تواند با مردم، حوادث، مکان‌ها، شیوه‌ها، سنت‌ها، داستان‌ها، اشیاء و غیره باشد؛

حسی: در این جنبه، ارزش‌ها به عنوان منبع لذت‌گرایی ادراک می‌شوند. این واژه به زیبایی‌شناسی که برخی دیگر از مؤلفان استفاده کرده‌اند، نزدیک است؛ البته خاطر نشان می‌کنند که زیبایی‌ها تنها به موارد بصری محدود نمی‌شوند؛

مدرک: این جنبه شامل مواردی است که شواهدی را برای انجام تحقیقات رسمی یا غیررسمی ارائه می‌دهد. لازم به ذکر است که این دسته مشابه دسته علمی که در گونه‌شناسی‌ها عنوان می‌شود نیست؛ زیرا شواهد و مدارک صرفاً توسط علوم استفاده نمی‌شوند.

۴. چارچوب نظری بازشناخت ارزش در فرآیند طراحی معماری داخلی استفاده مجدد

هر کدام از دسته‌بندی‌هایی که در مرور ادبیات اشاره شد، تحت تأثیر یک چارچوب نظری و یا هدفی خاص است. به طور مثال میراث انگلیس از دید استفاده‌کننده، به یک گونه‌شناسی رسیده است و میسون از دیدگاه دستگاه یا مأخذ تصمیم‌گیر به دسته‌بندی خود رسیده است. به طور کلی شیوه‌هایی که ذی‌نفعان مختلف، به ارزش‌ها نگاه می‌کنند به شکل قابل توجهی متفاوت است (Pearson & Sullivan, 1995, 308-309; Stephenson, 2008). به بیان دیگر، تفاوت‌های عمده بین دسته‌بندی مؤلفین مختلف، به دلیل چارچوب‌های مفهومی و روش‌های مختلفی است، که هر کدام استفاده کرده‌اند.

علیرغم وجود تفاوت‌هایی در دسته‌بندی‌های موجود، همه

آنها با هم همپوشانی‌های بسیاری نیز دارند. اگر کسی بخواهد در یک گراف همه این انواع ارزش‌ها را در ارتباط با یکدیگر مکان‌یابی کند، حتی بین دو مورد از متفاوت‌ترین آنها مثل فری (۱۹۹۷) که دستگاه نظری‌اش از مفاهیم اقتصادی نشأت می‌گیرد و ریگل (۱۹۰۳) که از تاریخ هنر می‌آید، همپوشانی‌هایی وجود دارد. هر دسته‌بندی به طور ضمنی برخی از انواع ارزش‌ها را خلاصه می‌کند و برخی دیگر را شاخص می‌کند. در واقع حذف یکی، مفهوم دیگری را گسترده‌تر می‌کند که مورد حذف شده را هم در خود جای دهد. به طور مثال در منشور بورا، ارزش‌های اقتصادی بیان نشده، با این استدلال که این ارزش مشتق از ارزش‌های فرهنگی و تاریخی است و لذا در وهله اول برشمرده نشده‌اند. میسون در هنگام دسته‌بندی ارزش‌ها هنگامی که دسته‌ای را تاریخی و دسته‌ای دیگر فرهنگی می‌نامد، اشاره می‌کند که باید توجه داشت امکان ندارد میراثی فاقد ارزش فرهنگی باشد و لذا این دسته‌بندی‌ها تنها برای تأکید

که به عنوان ارزش‌های متفاوت درک و شناخته بشوند. چون به شیوه‌های مختلف مفهوم‌سازی می‌شوند و متخصصین و نیز نهادها و دستگاه‌های متفاوتی مرجع تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و حفاظتی در آن زمینه هستند.

اگرچه مبتنی بر بررسی‌های انجام‌شده، در عمل امکان تفکیک کامل ارزش‌ها وجود ندارد؛ از این‌رو، تلاش برای دسته‌بندی به عناوین مختلف، با مرزهای مشخص و متمایزکننده، منتفی است. با این حال، طراح نیاز دارد تا حد امکان از همپوشانی ارزش‌ها کاسته

بیشتر بر یک ویژگی است (Mason, 2002, 11)؛ و یا در دسته فرهنگی-اجتماعی، کیفیتی که تحت عنوان معنوی-مذهبی تعریف شده است، می‌تواند به واسطه‌ی تاریخ نسل‌هایی که در اینجا عبادت کرده‌اند و نقشی که کلیسا در توسعه جامعه اطرافش داشته است، به عنوان ارزش تاریخی نیز تعریف شود؛ و یا به دلیل طراحی خاص بنا و مبلمان ویژه آن، به عنوان ارزش هنری؛ یا ارزش اجتماعی به دلیل استفاده از آن در مراسم غیرمذهبی مانند اعیاد و جشن‌ها. زمانی که این استفاده‌ها خیلی به هم نزدیک هستند، مهم است

جدول ۱- دسته‌بندی ارزش از دیدگاه اسناد بین‌المللی و صاحب‌نظران.

دسته‌بندی	منبع / سال	سند / صاحب‌نظر
قدمت، تاریخی، یادبود، استفاده، تازگی	(Riegl, 1903)	ریگل
زیبایی‌شناسی، تاریخی، علمی، اجتماعی	(ICOMOS, 1979)	ایکوموس استرالیا
اقتصادی، زیبایی‌شناسی، وابستگی‌های، اطلاعاتی	(Lipe, 1984)	لایپ
پژوهش‌های باستان‌شناسی، پژوهش‌های علمی، هنرهای خلاق، آموزش، خلق دوباره و توریسم، بازنمایی نمادین، مشروعیت اقدام، همبستگی اجتماعی و همگرایی، دستاوردهای پولی و اقتصادی.	(Darvill, 1995)	دارویل
انتخاب		
ثبات، رازآلودگی و معما		
وجودی		
هویت فرهنگی، پایداری در برابر تغییر		
هنری، تاریخی، اجتماعی، علمی	(ICOMOS, 1994)	منشور نارا
سرمایه/املاک، تولید، تجاری، مسکونی		
بازار		
جامعه	(Carver, 1996)	کارور
سرگرمی، سیاسی، اقلیت/محرومین/نسل بعدی/سبک محلی		
انسانی		
پولی، انتخاب، وجود، ارتقاء، اعتبار، آموزشی	(Frey, 1997)	فری
زیبایی‌شناسی، تاریخی، علمی	(Burra Charter, 1997)	منشور بورا
اجتماعی		
معنوی، سیاسی، ملی، سایر ارزش‌های فرهنگی		
اقتصادی، اطلاعاتی، فرهنگی، احساسی، وجودی	(Ashley-Smith, 1999)	اشلی-اسمیت
تاریخی، هنری، علمی، فرهنگی، شرایط، اقتصادی	(Pye, 2001)	پای
زیبایی‌شناسی، معنوی، اجتماعی، تاریخی، نمادین، اصالت	(Throsby, 2001)	تروسبی
ارزش‌های احساسی، ارزش‌های تاریخی، ارزش‌های علمی	(حجت، ۱۳۸۰)	حجت
اجتماعی- فرهنگی	(Mason, 2002)	میسون
اقتصادی		
بازار، وجودی، انتخاب، ارت		
ارزش‌های احساسی (هیجانی)		
حیرت‌انگیز، هویتی، پیوستگی، معنوی و نمادین		
ارزش‌های فرهنگی- تربیتی	(Feilden, 2003)	فیلدن
اسنادی، تاریخی، باستان‌شناسی، قدمت، کمیایی، زیبایی‌شناختی و نمادی، معماری، قضایای شهری، بوم‌شناختی، منظر، علمی و تکنولوژی		
ارزش‌های کاربردی		
کارکردی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، قومی و سیاسی		
هنر، زیبایی‌شناسی، تاریخی، استفاده، تحقیقاتی، آموزشی، قدمت، تازگی، ساتی مانناتال، پولی، وابسته، یادبودی، ندرت	(Appelbaum, 2007)	اپلبوم
مدرک، تاریخی، زیبایی‌شناسانه، جمعی	(English Heritage, 2008)	میراث انگلستان
قدمت و نادر بودن، معماری، هنری، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی، احساسی، تاریخی، منظر، تمایز محلی، سیاسی، عمومی، مذهبی و معنوی، علمی/ پژوهش/ دانش، اجتماعی، نمادین، فنی، منظرشهری	(Orbaşlı, 2008)	ارباشلی
جهانی، وابسته، کنجکاوی، هنری، نمونه، ناملموس، استفاده	(Stubbs, 2009)	استویس
گونه‌شناسانه، سازه‌ای، ارزش‌های ساخت، عملکردی، زیبایی‌شناسی، معماری، تاریخی، نمادین	(Gómez Robles, 2010)	گرومز رابلز
فرهنگی		
هویت، جنبش، هنری/ فنی، مدارک، ندرت، اداری		
اقتصادی- اجتماعی معاصر	(Szmelter, 2010)	اسملتر
اقتصادی/ منابع، عملکرد/ مفید، آموزشی/ گردشگری، اجتماعی/ آگاهی، سیاسی/ رژیم		
زیبایی‌شناسی، باستان‌شناسی، معماری، یادبود، عملکردی، تاریخی، منظر، یادمانی، علمی، اجتماعی، معنوی، نمادین، تکنولوژیکی، سنتی	(ICOMOS New Zealand, 2010)	ایکوموس نیوزلند
اطلاعاتی، آموزشی، نمادین، اقتصادی، فراغتی/ تفریحی	(Lertcharnrit, 2010)	لرتچارنریت
وابستگی، حسی، مدرک، عملکردی	(Fredheim & Khalaf, 2016)	هارالد فردهیم و مانال خلاف

توسعه چارچوب مفهومی ارزش در بازطراحی معماری داخلی
استفاده مجدد منطقی بناهای واجد ارزش؛ نمونه‌موردی: زندان
قصر به عنوان باغ موزه

درک است؛ اگرچه این ارزش مفهوم گسترده‌ای را در بر می‌گیرد ولی غالباً زیبایی‌های بصری، تزئینات و... مدنظر است؛

ویژگی‌های فضایی: بخشی از ارزش‌های معماری که به تناسبات، مقیاس، دیگرام فضایی و اتمسفر فضا مربوط می‌شود؛

فعالیت-کارکرد: این ارزش به کارکرد ویژه فضا و یا نوع خاصی از فعالیت که زمانی در آن فضا جاری بوده است، اطلاق می‌گردد؛

سند-مدرک: زمانی که هر یک از ارزش‌های ذکر شده در بالا، تا بدان پایه مهم شده باشد که بتواند به عنوان یک شاهد تاریخی از یک واقعه، دستاورد، یا نگرش به آن رجوع کرد، به عنوان ارزش سند-مدرک برشمرده می‌شود؛ این دسته ارزش علمی را در برمی‌گیرد.

اگر چه ارزش‌های بنا به دو دسته ملموس و ناملموس تقسیم می‌گردند و بدین وسیله به نوعی محل بروز ارزش در اجزای بنا مشخص می‌گردد، اما معمار داخلی برای تصمیم‌گیری نیاز به تدقیق بیشتر محل تجلی ارزش‌ها در عناصر معماری داخلی دارد. برای تحقق این هدف، عناصر معماری داخلی مبتنی بر نگاه ادوارد هال (هال، ۱۳۹۳) به سه دسته فضای ثابت، نیمه‌ثابت و متغیر تقسیم می‌گردد. در این مقاله، برای تدقیق چارچوب نظری عناصر فضای ثابت به بدنه، مصالح و تکنیک‌های ساخت و جزئیات، و عناصر فضای نیمه‌ثابت به در و پنجره و بازشو، اجزای نصب‌شده (مانند ساعت، پرده، ادوات نورپردازی، تابلو،...)، تزئینات و آثار روی بدنه‌ها، مبلمان و لوازم تقسیم می‌شوند. علاوه بر این، فضای متغیر را فعالیت‌ها و روابط انسانی مربوط به فعالیت‌های جاری در فضا (عینی فر، ۱۳۸۲)، تشکیل می‌دهند. در توضیح بیشتر فضای متغیر لازم به ذکر است که خاطرات فرهنگی یک فضا تنها در مصالح و سطوح خلاصه نمی‌شود، بلکه تاریخ زندگی افراد و رویدادهای یک فضا خاطرات آن را می‌سازند (Klingenberg, 2012).

از برهم‌کنش گونه‌شناسی ارائه شده از ارزش‌ها در این مقاله و نیز دسته‌بندی عناصر معماری داخلی، چارچوب نظری بازشناخت ارزش در فرآیند طراحی معماری داخلی استفاده مجدد بناها در (تصویر ۱) ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که این چارچوب نظری علاوه برای بازشناخت ارزش‌های یک بنا، در سنجش بازطراحی صورت گرفته نیز قابلیت کاربرد دارد.

نکته دیگری که در مورد این چارچوب پیشنهادی نیاز به ذکر دارد آن است که ارزش اقتصادی در چارچوب گنجانده نشده است. دلیل این امر وجود اختلاف نظر میان صاحب‌نظران مختلف در مورد مفهوم ارزش اقتصادی است که پیش از این اشاره گردید؛ از جمله این که «در نظرگرفتن ارزش‌های اقتصادی، نیروی قوی‌ای است که میراث و حفاظت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی که کاملاً بیرون دایره مباحث حفاظت در مفهوم سنتی قرار دارد. از سوی دیگر اختلاط ارزش‌های اقتصادی با ارزش‌های فرهنگی، چالش خاصی را پدید آورده است» (Mason, 2002, 5). در مقایسه مواجهه حفاظت‌گران و کارشناسان اقتصادی هنر، جالب توجه است که نه تنها آنها توصیف و اندازه‌گیری متفاوتی نسبت به ارزش‌های میراث فرهنگی دارند، بلکه معنایی که هرکدام از آنها از واژه ارزش استنباط می‌کنند، هم متفاوت است (Mason, 2002; Fredheim)

شود و قدری دقیق‌تر شوند؛ بدین معنی که به موارد مشخص‌تری اشاره کنند. به این ترتیب معمار داخلی این مجال را می‌یابد که بر حسب ضرورت در یک پروژه بر روی یک ارزش تأکید بیشتری نماید و به تبع آن، فرصت بروز بیشتر آن را در یکی از عناصر تشکیل دهنده معماری داخلی به عنوان ایده اصلی طراحی فراهم سازد. این امر به معماران داخلی این امکان را می‌دهد که با اشراف و آگاهی بیشتری به مداخله و طراحی در بناهای واجد ارزش بپردازند.

این پژوهش دنبال ارائه گونه‌شناسی جدیدی از ارزش نیست، بلکه می‌کوشد با بازتعریف گونه‌شناسی موجود، آنها را به زبان معماری نزدیک کند تا خوانش آن برای معماران داخلی در بناهای واجد ارزش تسهیل گردد. چون اگر زبان ارائه ارزش‌ها از ارتباط برقرار کردن با ذی‌نفعان حفاظت‌نااتوان باشد، نمی‌توان انتظار داشت که تصمیم‌های اتخاذ شده، اصولی و نتیجه‌بخش باشد (Fredheim & Khalaf, 2016). بر این اساس در این مقاله، گونه‌شناسی ارزش به این گونه ارائه می‌شود:

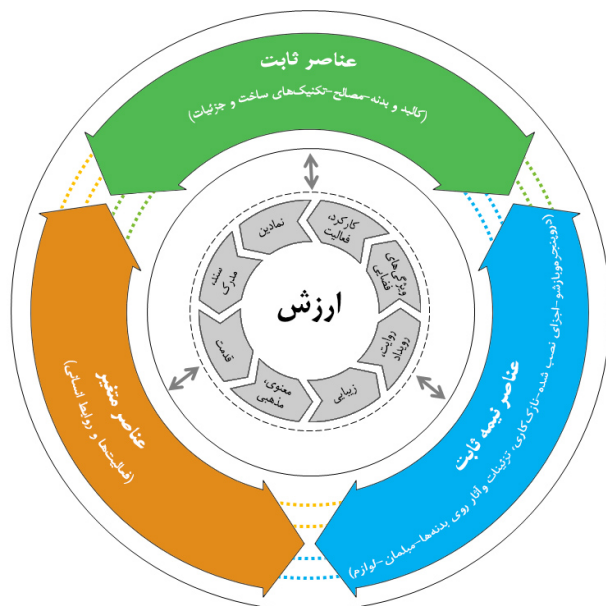
قدمت: ارزش قدمت با گذشت زمان در یک بنا پدیدار می‌شود و هر چه سن یک بنا بیشتر باشد، این ارزش نیز افزایش می‌یابد؛

نمادین: نماد یا نشانه چیزی است که چیز دیگری را وانمود می‌کند (میونز ویناس، ۱۳۸۸، ۵۲). زمانی که این بنا بطور خاص معانی و مفاهیمی را یادآور می‌شود، واجد ارزش نمادین است؛

روایت-رویداد: این ارزش به روایت‌هایی در طول حیات بنا اشاره دارد که یا حاصل دوره‌های مختلف در تداوم حیات آن است یا خاطراتی را یادآور می‌شود و یا به واقعه‌ای خاص اشاره می‌کند؛

معنوی-مذهبی: این ارزش به فضاها یا آثاری اطلاق می‌شود که به دلایل مذهبی یا اعتقادی، مورد احترام و یا مقدس بوده یا هستند.

زیبایی: مفهوم زیبایی قابل تعریف نیست، اما به طور فطری قابل



تصویر ۱- چارچوب نظری پیشنهادی بازشناخت ارزش در طراحی معماری داخلی تغییر کاربری بناهای واجد ارزش.

تغییر کاربری داده شده است. در بخش قاجار به مواردی چون ویژگی‌های قصر قجر، باغ ایرانی، قنات، اولین پروازهای هواپیما، ورود عکاسی به ایران اشاره شده است. در فضاهای مربوط به دوره‌های بعدی هم حوادث مهم تاریخی-اجتماعی از جمله شرایط ایجاد زندان قصر و نقشه‌های اولیه و ویژگی‌های معماری مارکوف، تا وقایع مشروطه و زندانیان مشهور و آثار مربوط به آنها تا زمان انقلاب اسلامی نمایش داده شده است.

یکی از دلایل شهرت این زندان، افراد سرشناسی است که در آن محبوس بوده‌اند. نخستین زندانی این زندان سرتیپ محمد درگاهی رئیس نظمیه وقت بوده است که در روز افتتاحیه زندان خود میزبان شاه و مدعوین بوده است؛ وی دو روز پس از افتتاح زندان قصر، از کار برکنار و زندانی شد. بعدها حبس بسیاری از چهره‌های مشهور سیاسی و فرهنگی در طول مبارزات آزادی‌خواهانه نواب صفوی، شهید عراقی، آیت‌اله طالقانی، احمد شاملو، لورنس عرب، بزرگ علوی، مهدی اخوان ثالث، نجف دریابندری، فرخی یزدی، و... در زندان قصر رخ داده است.^۱

در باغ موزه قصر سعی شده است تا در کنار بیان نوشتاری، با طراحی ویژه چیدمان ذهن مخاطب را با موضوع درگیر شود؛ مثلاً در غرفه رادیو ضمن به نمایش گذاشتن رادیوهایی بسیار قدیمی، فضای یک استودیو با میز تنظیم صدا و پنجره‌ی شیشه‌ای، بازسازی شده است. همچنین در بخش‌هایی از باغ موزه که امکان داشته، طراحی به صورت تعاملی انجام گرفته است؛ برای نمونه کنار معرفی دستگاه تلگراف، شیوه کار کردن با آن نیز بیان شده و مخاطبین می‌توانند تلگراف زدن را امتحان کنند؛ یا در موزه اسناد، گوشی‌های تلفن قدیمی از سقف آویزان شده و با قراردادن آن نزدیک گوش، فایل صوتی از مظفردالدین‌شاه شنیده می‌شود.

۵.۲. روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات درباره زندان قصر از مطالعات کتابخانه‌ای، بازدیدهای مکرر، مشاهده، عکسبرداری، یادداشت‌برداری، و مصاحبه با تیم بازطراحی شامل معمار، مرمتگر، و معمار داخلی استفاده شد. همچنین با ۶ نفر از متخصصین سه حوزه معماری، معماری داخلی، و حفاظت و نیز ۴ نفر از افرادی که سابقه حبس در زندان در دوران پهلوی را داشته‌اند، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. یکی از محدودیت‌هایی که انجام این تحقیق در این مرحله با آن روبرو بود سختی پیدا کردن افرادی بود که سابقه حبس در این زندان در دوران پهلوی را داشته‌اند و نیز رغبت نداشتن آنها به همکاری جهت مصاحبه بود. خصوصیات افراد نمونه در جدول ۲ خلاصه شده است.

۶. تحلیل باغ موزه زندان قصر از منظر ارزش در فرآیند بازطراحی معماری داخلی

در گام اول برای بررسی ارزش در فرآیند بازطراحی باغ موزه زندان قصر به تحلیل کیفی داده‌های به دست آمده از بررسی‌های میدانی و یادداشت‌برداری‌های شخصی نگارندگان پرداخته شد. در گام دوم تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها صورت پذیرفت. برای تنظیم و تحلیل این داده‌ها از سه فعالیت شامل (۱) تلخیص داده‌ها و

با جمع‌بندی منابع مختلف به طور خلاصه می‌توان استنباط کرد که طبق نظر اقتصاددانان ارزش از طریق تعامل با میراث حاصل می‌شود، همان گونه که سودمندی به واسطه‌ی استفاده از میراث؛ در حالی که اغلب حفاظت‌گران معتقدند میراث حتی در حالتی که استفاده‌ای از آن نمی‌شود نیز دارای ارزش است (Carman, 1995; Mason, 2002; Fredheim, 2016). نگنجاندن ارزش اقتصادی در چارچوب ارائه شده، به معنای کم اهمیت بودن آن نمی‌باشد بلکه نگارندگان بر این باورند که ارزش اقتصادی زمانی که از منظر اقتصاد به موضوع میراث نگریسته شود، موضوعیت بحث می‌یابد و چارچوب نظری متفاوتی می‌طلبد.

در ادامه چارچوب نظری پیشنهادی به منظور ارزیابی اقدامات انجام شده در فرآیند طراحی معماری داخلی در تغییر کاربری زندان قصر به باغ موزه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵. نمونه موردی: تغییر کاربری زندان قصر به باغ موزه

۱. معرفی

زندان قصر واقع در خیابان شریعتی کنونی در تهران، به عنوان اولین زندان مدنی و مدرن کشور در زمان رضاشاه در محل بخشی از باغ قصر فتحعلی‌شاهی ساخته شد. در زیرزمین قصر قجر در دوران قاجار، سیاهچال‌هایی وجود داشته است که در آن‌ها، زندانیان ویژه محبوس می‌شده‌اند. معمار زندان نیکولای مارکوف است. او نقشه زندان را از روی نقشه‌ای که در کنگره بین‌المللی اصلاح مجرمین و محبس‌ها سال ۱۹۲۵ در لندن در اختیارش قرار داده شده بود و با تغییراتی که وضعیت آب و هوا و کیفیات دیگر ایجاد می‌نمود، تهیه کرد. زندان در ابتدا ۱۹۲ اتاق و گنجایش ۸۰۰ زندانی را داشت اما به مرور تغییراتی در آن به وجود آمد و با الحاق بخش‌هایی گسترش یافت (تصویر ۴). در دوران پهلوی دوم بخش زندانیان سیاسی با مصالح بتنی در سایت مجموعه و به فاصله کمی از زندان اصلی ساخته شد و عملکردهایی مرتبط با زندان، از جمله: بهداری، آسایشگاه، نانویی، مدرسه، کارگاه کفاشی، سلول‌های انفرادی، دارالمجانین، زورخانه، مسجد، کارگاه قالی‌بافی، کارگاه آهنگری، به مجموعه اضافه شد. (عبادی، ۱۳۸۷، نصر، امرا و مظهری، ۱۳۹۲، Sadeghi, 2008 و Sadeghi, 2013)

بعدها و تا زمان ساخت زندان اوین در دهه چهل، این زندان تنها زندان پایتخت بود. پس از انقلاب اسلامی، محل حبس زندانیان غیرسیاسی گردید. در سال ۱۳۸۳ این زندان تعطیل و شهرداری شروع به تخریب بخش‌هایی از آن نمود که با پیگیری کانون زندانیان سیاسی قبل از انقلاب و ثبت زندان در لیست میراث ملی، از تخریب آن جلوگیری به عمل آمد. پس از آن به وسیله شهرداری به باغ موزه قصر تبدیل و در تاریخ ۱۴ آبان ماه ۱۳۹۱ افتتاح گردید (شکل‌های ۲ تا ۴) چهار راهروی اصلی باغ موزه به چهار دوره تاریخ معاصر ایران شامل قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم و رخدادهای سیاسی که منجر به انقلاب اسلامی شد، اختصاص داده شده است. همچنین بخش‌هایی از مجموعه به موزه زندان و موزه تاریخ انقلاب اسلامی

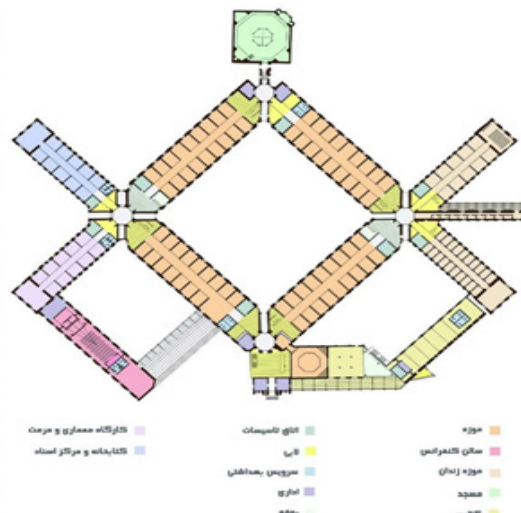
توسعه چارچوب مفهومی ارزش در بازطراحی معماری داخلی
استفاده مجدد منطقی بناهای واجد ارزش؛ نمونه‌موردی: زندان
قصر به عنوان باغ موزه

روابط اجتماعی تقریباً مغفول مانده است؛ این در حالی است که بر اساس چارچوب نظری، روابط اجتماعی بخشی مهم از فضای متغیر معماری داخلی را به خود اختصاص می‌دهد. یکی از پرننگ‌ترین فضاهایی که اکثر مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشته‌اند، فضای حیاط بوده است؛ «اغلب خاطرات زندانیان از هواخوری است» (پیرمردی ۷۲ ساله دارای سابقه ۶ ماه حبس در بند سیاسی در دوران پهلوی دوم، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷/۴/۸). این در حالی است که پس از بازطراحی، فضای هواخوری چندان مورد توجه مخاطبین قرار نمی‌گیرد. شاید دلیل اصلی آن را بتوان پیش‌بینی نکردن برنامه‌ریزی خاص برای مخاطب و اکتفا کردن به قراردادن یک مجسمه انسان در حیاط بتنی بخش سیاسی دانست. از دیگر سو، به دلیل ایجاد گشایش‌هایی در فضای سلول‌ها در فرآیند بازطراحی، مخاطب در زمان تجربه فضای داخلی زندان چندان احساس تنگی و گرفتگی یک زندان را نمی‌کند که بتواند زمان ورود به فضای حیاط تفاوت فضایی را به گونه‌ای که در دوران پهلوی داشته است را احساس نماید.

ایجاد گشایش در برخی بندها و حذف شبکه‌های فلزی جلوی سلول‌ها در دو سوی برخی راهروها از جمله نکاتی که مورد انتقاد برخی متخصصین قرار گرفته است: «آن قدر فضا را باز کرده‌اند که احساس می‌کنی در یک گالری قدم می‌زنی نه یک زندان» (معمار داخلی ۳۵ ساله، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷/۹/۵). البته در برخی بندها با کم‌ترین دخل و تصرف در جداره‌ها سعی شده است، ویژگی‌های کالبدی اصلی اثر نمایش داده شود (تصاویر ۶ و ۷). یک معمار که در زمان انتقال مدیریت بنا از سازمان زندان‌ها به

کدگذاری مبتنی بر چارچوب پیشنهادی ارزش، ۲) نمایش داده‌ها، ۳) نتیجه‌گیری استفاده گردید. لازم به ذکر است حوزه بررسی این مقاله محدود به معماری داخلی می‌گردد و به مواردی که در طراحی منظر مورد اشاره قرار گرفته، (که به دلیل غنای قصر فجر در زمینه‌ی ارزش‌های منظر، موارد حائز اهمیت هم هست) پرداخته نشده است. برای نمونه می‌توان به اصطلاح «آب خنک خوردن» و نسبت آن با زندان قصر اشاره کرد: مظهر قنات مبارک‌آباد و مخلص‌آباد جلوی قصر فجر و سپس زندان بوده است که آبی بسیار خنک و گوارا داشته است؛ به دلیل وجود این قنات‌ها، پس از تبدیل این قصر به زندان، به تدریج اصطلاح «آب خنک خوردن» به کسی که زندان می‌رفته اطلاق گردید و در فرهنگ عامیانه رواج یافت. این مثال نشان از آن دارد که همه ارزش‌های یک بنا در مقیاس معماری داخلی قابلیت بروز ندارند.

یکی از اولین نکاتی که در تحلیل بازطراحی این اثر فارغ از کاربری آن قابل ذکر است این است که میزان اشاره به معمار اثر، مارکوف، به عنوان معماری که ویژگی‌های معماری و جزئیات ساخت آثارش در تاریخ معماری معاصر ایران حائز اهمیت است، کم می‌نماید؛ طراحان به بیان مکتوب این نکته در چند تابلو بسنده کرده‌اند. بررسی مصاحبه‌ها با افرادی که پیش از انقلاب اسلامی در این زندان محبوس بوده‌اند نکات جالب توجهی را دربرداشت. عموم آنها به زندگی روزمره در سلول‌ها، امکانات درون سلول‌ها و روابط اجتماعی بین زندانیان با هم و زندانیان با زندانبانان اشاره داشته‌اند. اگرچه در بازطراحی تا حدودی به زندگی روزمره زندانیان با قراردادن وسایل و مجسمه‌هایی اشاره شده است (تصویر ۵)، اما



تصویر ۲- (سمت راست) - معرفی فضاهای تغییر کاربری داده‌شده‌ی بنای زندان قصر مارکوف. مأخذ: (URL 1)؛ تصویر ۳ - (چپ و بالا) - زندان قصر قبل از تغییر کاربری در سال ۱۳۸۶. مأخذ: (URL 1)؛ تصویر ۴ - (چپ و پایین) - زندان قصر پس از تبدیل به باغ موزه در سال ۱۳۹۱. مأخذ: (URL 1).

جدول ۲- مشخصات فردی مصاحبه‌شوندگان.

جایگاه	جنسیت		نوع تخصص					سطح تحصیلات			میانگین سنی
	زن	مرد	حفاظت‌گر	معمار	معمار داخلی	سایر	دکتر	کارشناسی ارشد	کارشناسی و پایین تر		
متخصص	۲	۴	۲	۳	۱	۰	۲	۴	۰	۵۴	
زندانی	۱	۳	۰	۲	۰	۲	۰	۲	۲	۶۸	

محل شکنجه آن بوده است که صدای فریادهای شکنجه شونده در راهروها بیپنجه و سایر زندانیان را دچار ترس نماید. اصطلاح بیا زیر هشت یا فلانی را برده‌اند زیر هشت اصطلاحات رایجی در زندان بوده است (مرد زندانی ۶۹ ساله، مصاحبه‌ی شخصی، ۱۳۹۷/۶/۱۱). یکی دیگر از نکاتی که در مورد فضای هشتی از مصاحبه‌ها استخراج گردید این است که قابلیت مسدود کردن ورودی راهروها بدون تغییر شکل اساسی وجود داشته است. از این قابلیت در زمان بازدیدهای بین‌المللی از زندان، در صورتی که نمی‌خواستند آمار دقیقی از زندانیان ارائه دهند، استفاده می‌کرده‌اند (معمار، مصاحبه‌ی شخصی، ۱۳۹۷/۳/۹). طراحان اثر از این نکته اطلاعی نداشته‌اند؛ لذا در طراحی اشاره‌ای به آن نکرده‌اند (یکی از اعضای تیم طراحی، مصاحبه‌ی شخصی، ۱۳۹۷/۹/۷).

یکی دیگر از نکات که در بررسی بازطراحی این اثر می‌تواند ذکر گردد آن است که به نظر می‌رسد نسبت پرداختن به ارزش‌های بنا و میزان اهمیت آنها متناسب نیست؛ به طور مثال بنای زورخانه در هنگام بازدید، بسیار به چشم می‌آید؛ این در حالی است که به نظر می‌رسد در زندگی زندانیان در دوره‌های مختلف چندان هم حائز اهمیت نبوده است (مرد معمار زندانی ۸۳ ساله، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷/۳/۹). جدول ۳ واکاوی ارزش در فرآیند بازطراحی معماری داخلی زندان قصر را بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها و بررسی بازدیدهای میدانی نمایش می‌دهد.

در بازطراحی این اثر تلاش شده است از ابزارها و روش‌های مختلفی مانند چیدمان، نوشته، تصویر، ویدئو، و صوت برای انتقال پیام به مخاطب استفاده شود. با این حال آن چه که تحلیل اثر در جدول ۳ نمایش می‌دهد آن است که به فضای متغیر توجه بسیار کمی شده است. لازم به ذکر است که به برخی ایده‌های طراحان از سوی بهره‌برداران توجه نشده است؛ از آن جمله می‌توان به پیشنهاد اختصاص یک استودیو ضبط خاطرات شفاهی و یک آرشيو امانات مردمی اشاره کرد که این امکان را می‌داده است که خاطرات مرتبط با اثر و نیز لوزام و وسایلی که از سوی محبوسان سابق به مجموعه در آینده اهدا می‌شده است، به نمایش گذارده شود (معمار عضو تیم بازطراحی، مصاحبه‌ی شخصی، ۱۳۹۷/۹/۷). به بیان دیگر، برخی از نقاط ضعف، الزاماً به طراحی بازمی‌گردد؛ بلکه ناشی از کم‌توجهی در مدیریت بهره‌برداری است.

به طور کلی می‌توان این گونه استنباط کرد که مبتنی بر چارچوب مفهومی ارزش در طراحی معماری داخلی استفاده مجدد بناهای واجد ارزش که در این مقاله ارائه گردیده است، بازطراحی این اثر در توجه به هر سه فضای ثابت، نیمه‌ثابت، و متغیر به اندازه کافی موفق عمل نکرده است؛ همچنین برخی ارزش‌های اثر فرو گذاشته شده است و یا به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است. کاربست این چارچوب نظری در فرآیند بازطراحی می‌تواند به طراحان کمک نماید تا از پیش آمدن ضعف‌های مشابه جلوگیری نمایند.

ذکر یک نکته ضروری است که اگرچه چارچوب نظری ارائه شده در بازشناخت و ارزیابی ارزش‌ها رهگشا می‌نماید، اما این مهم نیز می‌بایستی مورد نظر قرار گیرد که ارزش‌ها در ذات خود با هم

شهرداری که دیگر زندانی در آن محبوس نبوده است از آن مکان بازدید کرده، مشاهدات و نقدهای خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«در فضای سلول، در دیواری که چسبیده به تخت هر فرد بود، یادداشت، نقاشی یا شعرهایی شخصی به چشم می‌خورد. زندانی از آن بخش از دیوار مانند یک دفترچه یادداشت شخصی استفاده می‌کرده است. بر روی دیوارهایی که مابین دو ردیف تخت قرار داشته است، دست‌نوشته‌ها و نوشته‌های عمومی تری دیده می‌شد که عموماً عبارت بودند از زن با موی بلند، منظره‌ای از جنگل و کوه، مسیر آب و چشمه و عکس امیرالمؤمنین... برای دیوارها اثر داغی انسان وجود داشت... پتوهای کهنه کثیف در گوشه و کنار سلول‌ها افتاده بود... اگرچه بازطراحی خوبی انجام شده است و فعالیت‌های متنوعی در آن تعبیه شده است ولی هویت قبلی را کاملاً پاک کرده است؛ همه چیز زیادی تمیز شده است» (معمار، مصاحبه‌ی شخصی، ۱۳۹۷/۳/۹).

این تمیزشدن اثر به نسبت زمانی که زندان بوده است، نقدی است که از سوی دیگر متخصصین نیز به این بازطراحی وارد شده است. در حال حاضر از نقاشی‌ها اثری به چشم نمی‌خورد؛ فقط در سلولی که به فرخی یزدی^۲ اختصاص داده شده است، دیوار نوشته‌ای ایجاد شده است (تصویر ۸). البته برخی از این نوشته و نقاشی‌ها قبل از تخریب، در کتابی جمع‌آوری شده است (هاشمی، ۱۳۸۸). تنها بخش زندان که شاید بتوان گفت توانسته است روحیه سابق خود را حفظ نماید، بخش زندان سیاسی است؛ «حس رعب و وحشت بخش سیاسی تا حد زیادی نگه داشته شده است» (معمار، مصاحبه‌ی شخصی، ۱۳۹۷/۷/۱۲). به نظر می‌رسد کار چندان روی زندان سیاسی انجام نشده است، که میزان هولناکی آن را به طور خاص به نمایش بگذارد. درهای آهنی ضخیم سلول‌های این بخش که برخی از آنها دارای چشمی یا دریچه غذا بوده است، همچنان حفظ شده است؛ همچنین حیاط سیاسی که به دلیل تناسبات، رنگ طوسی و عدم وجود هیچ درخت یا شیئی، حس حقارت و غم می‌دهد، به همان صورت باقی مانده است. ارتباط بین این بخش و بخش طراحی شده توسط مارکوف ضعیف است و برای تقویت آن در مسیر حرکت بازدیدکننده تمهیدی اندیشیده نشده است.

در زمینه فعالیت‌های متنوع در نظر گرفته شده در زندان نیز موضوعی قابل بحث است. برخی راهروها و سلول‌های زندان به فضای نمایشگاهی تغییر کاربری داده شده‌اند. در این نمایشگاه‌ها، رویدادهایی از دوران قاجار (فارغ از این که ارتباطی با آن سلول یا اساساً زندان قصر دارد یا نه) به نمایش گذاشته شده است. در این نمایش به ارتباط بین فضا و موضوع مورد نمایش توجه خاصی نشده است. به بیان دیگر، صرفاً از ویژگی‌های کالبدی فضا برای نمایش دادن بهره گرفته شده است. این در حالی است که مخاطب انتظار روایت زندان را دارد.

یکی دیگر از فضاهایی که مصاحبه‌شوندگان به آن توجه ویژه داشتند فضای هشتی ملقب به هشت بوده است؛ این فضا محل تقاطع و اتصال بندها به هم بوده است که به عنوان شکنجه‌گاه نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است. علت استفاده از این فضا به عنوان

توسعه چارچوب مفهومی ارزش در بازطراحی معماری داخلی
استفاده مجدد منطقی بناهای واجد ارزش؛ نمونه موردی: زندان
قصر به عنوان باغ موزه

است که در جدول بالا به مهم‌ترین ارزش‌هایی که یک عنصر ثابت، نیمه‌ثابت، و یا متغیر معماری داخلی توانسته است حمل نماید، اشاره گردد. بدیهی است که فضای معماری داخلی به عنوان یک کلیت یکپارچه قابلیت تفکیک کامل به اجزا را ندارد؛ به بیان دیگر، اگرچه بازشناخت اجزا به بازشناخت کل کمک می‌کند، اما کل چیزی بیش از مجموع همه اجزاست.

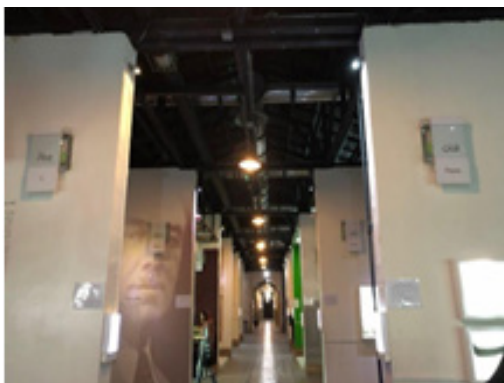
همپوشانی‌هایی دارند و تفکیک کامل آنها از هم میسر نمی‌باشد. از این‌رو، برای تهیه جدول ۳ تلاش شده است تا به جایگاهی که یک ارزش بیشترین فرصت بروز را داشته است توجه شود. این همپوشانی در مورد عناصر معماری داخلی نیز صادق است؛ بدین معنا که یک عنصر معماری داخلی می‌تواند به طور هم‌زمان، حامل ارزش‌های متنوعی باشد. با وجود اشراف به این موضوع، تلاش شده

نتیجه

ارزش‌ها و فضاهای معماری داخلی با طی کوتاه‌ترین مسیر به زبان طراحی قابلیت ترجمه داشته باشد و تا آن‌جا که ممکن است راه را بر تفسیرهای گوناگون ببندد. این چارچوب نظری علاوه بر یاری‌رساندن به تیم طراحی در بازشناخت ارزش‌ها، چارچوبی برای ارزیابی یک بنای تغییر کاربری یافته از نظر میزان موفقیت در حفظ و ارتقای ارزش‌های بنا در مقیاس معماری داخلی در اختیار قرار می‌دهد؛ بر آن اساس می‌توان با در نظر گرفتن وزن هر کدام از ارزش‌ها در نمونه مورد نظر، شیوه برخورد با آنها را در موضع بروز آن در فضاهای سه‌گانه معماری داخلی شامل ثابت، نیمه‌ثابت، و متغیر را ارزیابی کرد.

ارزیابی نمونه موردی این مقاله نشان داد که به کمک این

بازطراحی یک بنای تاریخی در پی حفظ و ارتقای ارزش‌های اثر به هدف استفاده نسل حاضر و انتقال آن به نسل‌های آتی است. از این‌رو، اولین گام در مسیر بازطراحی معماری داخلی، بازشناخت ارزش‌هاست. این مقاله با نظر به ضرورت این امر به توسعه چارچوبی مفهومی به هدف بازشناخت ارزش‌های یک اثر به گونه‌ای که از منظر معماری داخلی قابلیت خوانش و کاربست داشته باشد، پرداخت. بر این اساس، ارزش‌های یک اثر در هشت گونه «قدمت»، «نمادین»، «روایت»، «معنوی-مذهبی»، «زیبایی»، «ویژگی‌های فضایی»، «فعالیت-کارکرد»، «سند-مدرک» و فضای معماری داخلی در سه دسته فضای «ثابت»، «نیمه‌ثابت» و «متغیر» ارائه گردید. هدف از ارائه این چارچوب نظری آن بوده است که



شکل ۵- (بالا راست) - چیدمانی برای نمایش زندگی روزمره زندانیان؛ شکل ۶- (بالا چپ) - یکی از راهروی اصلی بنای مارکوف که با حذف جداره‌های آهنی سلول‌ها، غرفه‌هایی برای چیدمان‌های مختلف ایجاد شده؛ شکل ۷- (پایین راست) - راهروی زندان سیاسی که متأخرتر احداث شده و با کم‌ترین تغییر طی بازطراحی، حال‌وهوای اصلی آن حفظ شده است؛ شکل ۸- (پایین چپ) - طراحی سلولی با عنوان فرخی یزدی و مجسمه یک زندانی در حال نوشتن اشعاری بر دیوار.

مغفول مانده است. امید است که کاربست این چارچوب نظری به معماران داخلی در فرآیند بازطراحی معماری داخلی استفاده مجدد بناهای واجد ارزش یاری رساند. با این حال به نظر می‌رسد که نیاز به پژوهش‌های دیگری است که جایگاه معماران داخلی و حوزه عمل آنان در موضوع استفاده مجدد بناهای واجد ارزش را مورد بررسی قرار دهد و همچنین استراتژی‌های طراحی در این مقیاس را مورد مذاقه قرار دهد.

چارچوب نظری این امکان در اختیار قرار می‌گیرد که همه ارزش‌های اثر مورد مذاقه قرار گیرد و آشکار گردد که هر کدام به چه میزان مورد توجه قرار گرفته و ارتقا یافته است. از دیگر سو، این امکان فراهم می‌گردد که همه ظرفیت‌های فضایی بروز و تجلی ارزش‌ها مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی همچنین نشان داد که میزان توجه به فضای متغیر شامل فعالیت‌ها و روابط انسانی به عنوان بخشی از فضای معماری داخلی در این پروژه تا حدود زیادی

جدول ۳- تحلیل ارزش در فرآیند بازطراحی معماری داخلی زندان قصر مبتنی بر چارچوب پیشنهادی ارزش.

معماری داخلی ارزش	فضای ثابت			فضای نیمه ثابت			فضای متغیر		
	کالبد و بدنه	مصالح	تکنیک‌های ساخت و جزئیات	در و پنجره و بازشو	اجزای نصب شده	نازک کاری، تزئینات و آثار روی بدنه‌ها	میلان	لوازم	فعالیت‌ها و روابط انسانی
قدمت	ساخت نخستین ساختمان و دکل بی‌سیم و رادیو ایران در دوران رضاشاه در اراضی زندان قصر	آجر فرش بتنی دوره پهلوی اول	سقف سبک شیب‌دار با خریاهای چوبی و پوشش ورق فولادی	-	-	اثر داغی زندانیان بر روی دیوارهای مجاور تخت‌ها	-	وجود لوازمی چون ملحفه و تشک‌های قدیمی در برخی سلول‌ها	بین پروازهای نمایشی هواپیما در محوطه قصر فجر
	اختصاص غرفه‌هایی به بی‌سیم و رادیو	برداشتن لایه‌های بعدی کفسازی و قابل روئت شدن کفسازی اصیل	حذف سقف‌ها و خریاهای افزودن ستون‌های میانی در محل بندها و اجرای طاق ضربی	-	-	حذف کامل	-	دور انداختن لوازمی از این دست	طراحی یک غرفه مرتبط در یکی از بندها
نمادین	اولین زندان طراحی شده‌ی ایران	-	-	-	-	-	-	طناب دار در فضای باز نزدیک قنات	حیاط به عنوان فضای هواخوری
	تأکید شده	-	-	-	-	-	-	حذف و قرار دادن یک طناب دار در یکی از سلول‌ها	حفظ حیاط و نمایش نقش هواخوری با قراردادن یک مجسمه انسان در یکی از حیاط‌ها
روایت- خاطره- رویناد	خاطره ترس زندانیان از صدای شکنجه در هشتی	-	-	-	-	یادگاری‌های از زندانیان بر روی دیوارها	-	-	نخستین زندان فتح شده در محبوسبودن انقلاب؛ افراد مشهور استفاده به عنوان زندان سران طاغوت
	نشان‌ندادن این خاطره جمعی	-	-	-	-	حذف یادگاری‌ها؛ قراردادن یک مجسمه در حال نوشتن بر روی دیوار در یکی از سلول‌ها	-	اختصاص سلول‌هایی به برخی از آنان	اشاره ای به این موضوع نشده است. این موضوع اشاره ای به این موضوع نشده است.

توسعه چارچوب مفهومی ارزش در بازطراحی معماری داخلی
استفاده مجدد منطقی بناهای واجد ارزش؛ نمونه‌موردی: زندان
قصر به عنوان باغ موزه

معنوی - مذهبی - حسی	حس حقارت و غم در حیاط سیاسی	ترس ناشی از تاریکی مطلق در اغلب سلول‌های فاقد هرگونه روزن در بخش زندانیان سیاسی							روح هولناک فضا در بخش زندان سیاسی الحاقی دوران پهلوی دوم
	حفظ به همان شکل قبلی اما تمیز شده	حفظ فضا بدون توجه به فراهم آوردن فرصت تجربه							تقریباً دست نخورده باقی مانده
زیبایی		جزئیات آجری معماری مارکوف	پنجره‌های قوسی وارطانی						
		حفظ جزئیات	حفظ پنجره‌ها						
ویژگی‌های فضایی	تناسبات ویژه حیاط سیاسی	بازدیدهای بین‌المللی	ورود نور از بالا در اغلب سلول‌ها	رنگ سرد طوسی در حیاط سیاسی					
	عدم تغییر تناسبات	بی‌توجهی به امکان مسدود کردن ورودی راهروها	حفظ به حالت پیشین	حفظ ولی تمیز شده					
کارکرد- فعالیت	در دوران پهلوی دوم عملکردهای متنوعی به زندان الحاقی شده است.	هشتی به عنوان شکنجه‌گاه	در آهنی ضخیم سلول‌های بخش زندانیان اصلی زندان	امکان نورگیری برخی سلول‌های بخش زندانیان اصلی زندان	جداره سرتاسر نرده‌ای فلزی در دو سوی راهروهای برخی بندها	تخت‌های دو یا سه طبقه در برخی بندها	وجود تنها یک شیر آب و یک لوله فاضلاب در برخی سلول	چراغ خوراک‌پزی و رادیو در برخی سلول‌ها	بخش ملاقات تفکیک بندهای زنانه و مردانه
	کم توجهی به نمایش فضاهای الحاقی پهلوی دوم به جز زورخانه	استفاده صرف به عنوان فضای تقسیم	حفظ به حالت پیشین	حفظ به حالت پیشین	حذف نرده‌ها در سلول‌ها	حفظ و نمایش در تعداد کمی سلول	عدم توجه	قرار دادن این لوازم سلول بدون توضیح	تلاش بر نمایش حال و هوای بخش ملاقات با بر بهره‌گیری از صوت در زندان سیاسی الحاقی پهلوی دوم
سند- مدرک	نقشه‌ی الگوی طراحی زندان بر اساس کنگره بین‌المللی لندن ۱۹۲۵	آجر مارکوفی							عکس از تعدادی زندانی سیاسی توسط ناصرالدین شاه به عنوان اولین عکس‌های گرفته شده در ایران
	بیان مکتوب	حفظ آجرهای مارکوفی و اشاره مکتوب به ویژگی‌های آن							طراحی غرفه‌ای در مورد ورود عکاسی به ایران در یکی از بندها بدون ارتباط مستقیم با زندان قصر

پی‌نوشت‌ها

6. Curiosity
۷. برای نمونه می‌توان بزرگ علوی نویسنده معاصر را نام برد که کتاب «۳۵ نفر» را در توصیف زندان و محبوسین آن به رشته تحریر درآورده است.
۸. فرخی‌یزدی از افراد معروفی است که در این زندان حبس و در نهایت

1. Associative
2. Legitimation of Action
3. Mystery & Enigma
4. Descendant
5. Bequest

uments, Adopted at the *First International Congress of Architects and Technicians of Historic Monuments*, Athens.

Ashley-Smith, J. (1999), *Risk Assessment for Object Conservation*, Oxford: Butterworth-Heinemann.

Australia ICOMOS (1979) *The Australia ICOMOS Guidelines for the Conservation of Places of Cultural Significance ('Burra Charter')*, Accessed March 17, 2016. http://australia.icomos.org/wp-content/uploads/Burra-Charter_1979.pdf.

Australia ICOMOS (2013), *The Burra Charter: The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*, 2013, Burwood: Australia ICOMOS.

Bandarin, F.; Van Oers, R. (2012), *the Historic Urban Landscape: Managing Heritage in an Urban Century*, Blackwell Publishing Ltd.

Bandarin, F.; Van Oers, R. (2014), *Reconnecting the city: The historic urban landscape approach and the future of urban heritage*, Blackwell Publishing Ltd.

Burra Charter (1997), *Charter for Places of Cultural Significance*, Australia ICOMOS (revised in 1999).

Cane, S. (2009), *Why Do We Conserve? Developing Understanding of Conservation as a Cultural Construct*, In *Conservation: Principles, Dilemmas and Uncomfortable Truths*, edited by A. Richmond and A. Bracker, 163-176. London: Butterworth-Heinemann.

Caple, C. (2009), *The Aims of Conservation*, In *Conservation: Principles, Dilemmas and Uncomfortable Truths*, edited by A. Richmond and A. Bracker, 25-31. London: Butterworth-Heinemann.

Carman, J. (1995), *The Importance of Things: Archaeology and the Law*, In *Managing Archaeology*, edited by J. Carman, M. A. Cooper, A. Firth, and D. Wheatley, 19-32. London: Routledge.

Carver, M. (1996), *On Archaeological Value*, *Antiquity* 70 (267): 45-56. Castellanos, C., F. Descamps, and M. I. Arauz. 2007. *Joya De Cerén, El Salvador Management Plan Executive Summar*, Los Angeles, CA: Getty Conservation Institute.

Clark, K. (2001), *Informed Conservation: Understanding Historic Buildings and Their Landscapes for Conservation*, London: English Heritage.

Darvill, T. (1995), *Value Systems in Archaeology*, In *Managing Archaeology*, edited by M. A. Cooper, A. Firth, J. Carman, and D. Wheatley, 40-50. London: Routledge.

De la Torre, M., ed. (2002), *Assessing the Values of Cultural Heritage*. Los Angeles, CA: Getty Conservation Institute.

به قتل می‌رسد. «ای دژ سنگدل، ای قصر قجر» مصرعی از یکی از قصاید اوست که در وصف این زندان سروده شده است.

فهرست منابع

ایوبی، رضا، نیک‌زاد، ذات‌الله (۱۳۹۶)، حفاظت معماری و نسبت آن با تاریخ معماری؛ با نگاه به تجربه‌ی حفاظت در ایران، *نشریه مطالعات معماری ایران* (دو فصلنامه علمی پژوهشی معماری ایرانی)، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۸۸-۱۶۹.

حجت، مهدی (۱۳۸۰)، *میراث فرهنگی در ایران (سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی)*، چاپ اول، انتشارات میراث فرهنگی، تهران.

حناچی، پیروز؛ ملازاده، فاطمه و سمیه فدایی‌نژاد (۱۳۹۶)، توسعه چارچوب مفهومی مدیریت ارزش مینا در مکان‌های فرهنگی تاریخی (با نگاهی به فرهنگ اسلامی)، *فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان*، شماره ۳-۷، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۴-۱.

شیروانی، مریم؛ احمدی، حسین و رسول وطن‌دوست (۱۳۹۵)، بازشناسی ارزش و عوامل تأثیرگذار در دگرگونی دیدگاه‌های ارشی در حفاظت از میراث فرهنگی در قرن حاضر، *نشریه هنرهای زیبا*، دوره ۲۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، تهران: پردیس هنرهای زیبا، صص ۵۰-۳۹.

عبادی، رضا (۱۳۸۷)، *تحلیلی پیرامون معماری منظر باغ-کاخ‌های تاریخی تغییر کاربری یافته (نمونه موردی: زندان قصر)*. *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد معماری به راهنمایی دکتر محمدرضا پروجعفر و مشاوره دکتر مجتبی انصاری*، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

عینی‌فر، علیرضا (۱۳۸۲)، *الگوی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران*، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۲، تهران: پردیس هنرهای زیبا، صص ۶۴-۷۷.

فرهمند بروجنی، حمید، احمدی، حسین و ریحانه قاسم‌آبادی (۱۳۹۰)، مروری بر نظریه‌پردازی‌های مرمت نقاشی دیواری در اروپا، *نشریه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی*، دانشگاه هنر اصفهان، ش (۱)، صص ۶۷-۵۵. مردمی، کریم و اصغر محمدمرادی (۱۳۸۷)، الزامات ارزش‌گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری، *فصلنامه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید*، ۱۹ (۶)،

https://www.civilica.com/Paper-JR_IJIE-JR_IJIE-19-6_010.html

میونز ویناس، سالوادور (۱۳۸۸)، *نگره نگاهدشت معاصر*، ترجمه فرهنگ مظفر، فاطمه مهدی‌زاده و حمید فرهمند بروجنی. اصفهان: گلدسته. نژاد ابراهیمی، احد؛ پورجعفر، محمدرضا، مجتبی انصاری و پیروز حناچی (۱۳۹۲)، ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی -تاریخی، *نشریه علمی پژوهشی مرمت و معماری ایران*، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، سال سوم - شماره ۶، صص ۷۹-۹۸.

نصر، مینا؛ امرا، مهدی و محمد مظهری (۱۳۹۲)، *زندگی دوباره بناهای تاریخی در توسعه شهری تهران (باغ موزه زندان قصر)*، *کنفرانس مهندسی عمران، معماری و مدیریت پایدار شهری*، تیرماه ۱۳۹۲، گرگان. هاشمی، پریناز (۱۳۸۸)، *دیوارنوشته‌های زندان قصر*، تهران: انتشارات چشمه.

هال، ادوارد تی (۱۳۹۳)، *بعد پنهان*، ترجمه منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.

Appelbaum, B. (2007), *Conservation Treatment Methodology*, Oxford: Butterworth-Heinemann.

Athens Charter (1931), *Restoration of Historic Mon-*

توسعه چارچوب مفهومی ارزش در بازطراحی معماری داخلی
استفاده مجدد منطقی بناهای واجد ارزش: نمونه‌موردی: زندان
قصر به عنوان باغ موزه

bridge: Cambridge University Press.

Maer, G. (2014), The Values and Benefits of Heritage: Do Economists Think about More than Money?, *Association for Preservation Technology Bulletin* 45 (2/3): 57–63.

Mason, R. (2002), *Assessing Values in Conservation Planning: Methodological Issues and Choices*, In *Assessing the Values of Cultural Heritage*, edited by M. de la Torre, 5–30. Los Angeles, CA: Getty Conservation Institute.

Mason, R. (2006), Theoretical and Practical Arguments for Values-centered Preservation, *CRM: The Journal of Heritage Stewardship* 3 (2): pp. 21–48.

Munoz Vinas, S. (2005), *Contemporary Theory of Conservation*, Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann.

Orbaşlı, A. (2008), *Architectural Conservation: Principles and Practice*, Oxford: Blackwell Science.

Pearson, M., and S. Sullivan (1995), *Looking after Heritage Places: The Basics of Heritage Planning for Managers, Landowners and Administrators*, Carlton: Melbourne University Press.

Pye, E. (2001), *Caring for the past: Issues in Conservation for Archaeology and Museums*, London: James & James.

Richmond, A., and A. Bracker, eds. (2009), *Conservation: Principles, Dilemmas and Uncomfortable Truths*, London: Butterworth-Heinemann.

Riegl, Alois (1903), *Der moderne Denkmalkultus, sein Wesen und seine Entstehung*, Vienna. (English translation: Forster and Ghirardo, 'The Modern Cult of Monuments: Its Character and Its Origins', in: *Oppositions*, number 25, Fall 1982, pp. 21–51.)

Rudolf, B. (2006), 'Intangible' and 'Tangible' Heritage: A Topology of Culture in Contexts of Faith, *PhD diss.*, Johannes Gutenberg-University of Mainz.

Russell, R., and K. Winkworth (2010), *Significance 2.0: A Guide to Assessing the Significance of Collections*, Collections Council of Australia, Commonwealth of Australia, Accessed March 17, 2016. <http://arts.gov.au/sites/default/files/resources-publications/significance-2.0/pdfs/significance-2.0.pdf>

Sadeghi, S. (2008), *Ghasr Prison: The Renovation & Restoration Strategies*, Asia Art & Technology Office Published, Tehran.

Sadeghi, S. (2013), A Connected Garden: Critical View on the Restoration of Ghasr Prison, Built Heritage 2013, *Monitoring Conservation Management Conference*, Milan, Italy.

Schädler-Saub, U., and A. Weyer, eds. (2010), *The*

English Heritage (2008), *Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment*, London: English Heritage.

Feilden, B. (2003), *Conservation of Historic Buildings*, Oxford: Elsevier.

Fredheim, L. & Khalaf, M. (2016), The significance of values: heritage value typologies re-examined, *International Journal of Heritage Studies*, London: Taylor & Francis.

Frey, B. (1997), *The evaluation of cultural heritage: Some critical issues* In *Economic Perspectives on Cultural Heritage*, ed. M. Hutter and I. Rizzo. London: Macmillan.

Gómez Robles, L. (2010), *A Methodological Approach towards Conservation, Conservation and Management of Archaeological Sites* 12 (2): 146–169.

Hazen, H. (2009), Valuing natural heritage: park visitors' values related to World Heritage sites in the USA, *Current Issues in Tourism*, 12 (2), pp.165–181.

ICOMOS New Zealand (2010), *ICOMOS New Zealand Charter for the Conservation of Places of Cultural Heritage Value*, Auckland: ICOMOS New Zealand, Accessed March 17, 2016. http://www.icomos.org.nz/docs/NZ_Charter.pdf

ICOMOS (1994), *Nara Document on Authenticity*, Accessed March 17, 2016. <http://www.icomos.org/charters/nara-e.pdf>

Jokilehto, Jukka (2006), *World Heritage: Defining the outstanding universal value*, *City & Time* 2 (2):1, retrieved December 2009 from <http://www.ct.ceci-br.org>.

Kerr, J. (2000), *Conservation Plan: A Guide to the Preparation of Conservation Plans for Places of European Cultural Significance*, Fifth ed., Sydney National Trust of Australia (NSW).

Klingenberg, Ellen. (2012), *Conservation of Cultural Memories In Interiors*, Oslo: IE International Conference: Reinventing Architecture and Interiors, 28-29 March 2012.

Lertcharnit, T. (2010), *Heritage Values and Meanings in Contemporary Thailand*, In *Heritage Values in Contemporary Society*, edited by G. S. Smith, P. M. Messenger, and H. A. Soderland, 279–285. Walnut Creek, CA: Left Coast Press.

Lipe, W. (1984), *Value and Meaning in Cultural Resources*, In *Approaches to the Archaeological Heritage: A Comparative Study of World Cultural Resource Management Systems*, edited by H. Cleere, 1–11. Cam-

Teutonico, J. M., and G. Palumbo, eds. (2002), *Management Planning for Archaeological Sites*, Los Angeles, CA: Getty Conservation Institute.

Thompson, M. (1979), *Rubbish Theory: The Creation and Destruction of Value*, Oxford: Oxford University Press.

Throsby, D. (2001), *Economics and Culture*, Cambridge: Cambridge University Press.

Worthing, D., and S. Bond (2008), *Managing Built Heritage*, Oxford: Blackwell.

URL 1: <https://qasr.ir/tabid/112/ArticleId/211/.aspx/>, Accessed: 2018/30/11

ory and Practice in the Conservation of Modern and Contemporary Art: Reflections on the Roots and the Perspectives. London: Archetype.

Stephenson, J. (2008), The Cultural Values Model: An Integrated Approach to Values in Landscapes, *Landscape and Urban Planning* 84 (2): pp.127–139.

Stubbs, J. H. (2009), *Time Honored: A Global View of Architectural Conservation*, Hoboken, NJ: Wiley.

Szmelter, I. (2010), *A New Conceptual Framework for the Preservation of the Heritage of Modern Art, In Theory and Practice in the Conservation of Modern and Contemporary Art: Reflections on the Roots and the Perspectives*, edited by U. Schädler-Saub and A. Weyer, 33–49. London: Archetype.

Developing Theoretical Framework of Value in Interior Architecture Design of Heritage Buildings; Case Study: Garden Museum of the Qasr Prison

Seyed Ehsan Masoud¹, Parastoo Eshrat², Mohsen Faizi^{3}, Alireza Einifar⁴*

¹Ph.D. Candidate, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

²Assistant Professor, Department of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

³Professor of Architecture, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

⁴Ph.D. Student in Islamic Architecture, Faculty of Architecture & Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

(Received 7 Jan 2019, Accepted 10 Nov 2019)

H Conservation and development are the significant challenges in the field of cultural heritage which exist in every conservation practice on any scales, including interior architecture. In this regard, the main challenge is that how much the interior architect has the right to interfere with the components of the interior in the process of reuse of the heritage. This article is intended to provide a functional answer to the concept of managing the change in the process of interior architecture redesign. Then the concept of value is studied. Because it is in fact the value which specifies what kind and amount of changes can be made to the interior architecture in the building and what changes should not be made. This reveals that the task of the interior architect, after determining the extent and modifications of the interior architecture based on the values of the building, is to manage the changes to maintain and enhance the meaning of building. To achieve this goal, the qualitative research method is selected. In the first step, with the strategy of logical argumentation and content analysis technique, the main documents and theories are analyzed in the subject of value; in the second step, a theoretical framework for recognizing the values of a building on the scale of interior architecture is suggested that has the potential to be used in the evaluation of the redesigns.

Accordingly, the values of a building in eight types are “Age”, “symbolic”, “narrative”, “spiritual-religious”, “Aesthetic”, “spatial characteristics”, “activity - Use”, “Evidential” and space. The interior architecture was described in three categories of “fixed-Feature Space”, “Semi-fixed Feature Space” and “Informal Space”. The purpose of this theoretical framework was to provide the values and spaces of interior architecture with the shortest path to the design language, and, as far as possible, the path to various interpretations. In addition

to helping the design team to recognize values, this provides a framework for evaluating changes in user experience in terms of success rate in maintaining and improving the values of the building on the scale of interior architecture. On this basis, we can evaluate the approach to them in terms of the weight of each of the values. In the following, the proposed framework was evaluated in a case study in the Garden of the Qasr Prison Museum by qualitative method. The evaluation of the case study of this paper showed that with the help of this theoretical framework it is possible to take into account all the values of the work and to reveal how much they have been considered and promoted to each other. On the other hand, it is possible to examine all the spatial capacities of the manifestation of values. The study also revealed that the focus on Informal Space, including human activities and relationships, as part of the interior architecture of the project, has remained largely neglected. The application of this theoretical framework will assist in the process of regeneration of the interior architecture of the reuse of valuable monuments.

Keywords: Value, Interior Architecture, Adaptive Reuse, Redesign, Garden Museum of the Qasr Prison.

*Corresponding Author, Tel: (+98-912) 1231148, Fax: (+98-21) 77240468, Email: mfaizi@iust.ac.ir.